به بهانه هفته جهانی و روز جهانی معلولان

# ترحم، نگاه خیره و سؤال بی‌مورد از افراد دارای معلولیت ممنوع

**ابوذر سمیعی، فعال حوزه معلولان:** بر اساس آمارهای جهانی، حدود ۱۵ درصد هر جامعه را افراد دارای معلولیت تشکیل می‌دهند؛ یعنی از هر شش نفری که در اطراف شما هستند، یک نفر دارای نوعی از معلولیت است. اما آیا این افراد در جهان واقعی نیز به همین میزان مشاهده می‌شوند؟ آیا در محل کار، زندگی، خیابان، اتوبوس، مترو و سایر فضاهای عمومی شاهد حضور افراد دارای معلولیت به این اندازه هستید؟

طبیعتا بخشی از معلولیت‌ها قابل مشاهده نیستند اما این موضوع انکارناپذیر است که گروه قابل توجهی از شهروندان معلول، به دلیل عدم دسترس‌پذیری محیط و مبلمان شهری و اماکن عمومی و نیز وجود نگرش‌های نادرست نسبت به ایشان، امکان یا توان خروج از خانه را ندارند.

در چنین وضعیتی لازم است به منظور احقاق حقوق افراد دارای معلولیت، دانش عمومی درخصوص نیازهای این افراد و تکالیف مردم در این راستا افزایش یابد.

**موانع فیزیکی برای افراد دارای معلولیت ایجاد نکنید**

یکی از مهم‌ترین موانع حضور افراد معلول در جامعه، موانع فیزیکی است. نامناسب‌بودن محیط و بی‌توجهی سایر شهروندان، مشکلات فراوانی برای این افراد به وجود آورده است. در این خصوص به این نکات توجه کنید:

• اگر طراح یا مهندس ساختمان هستید، در طراحی‌تان حتما استانداردهای دسترس‌پذیری را رعایت کنید.

• هرگز خودرویتان را در پارکینگ ویژه معلولان پارک نکنید. همچنین وسیله نقلیه‌تان را در پیاده‌رو یا در مقابل پل قرار ندهید.

• موزاییک‌های برجسته زردرنگ وسط برخی پیاده‌روها، مسیر ویژه نابینایان است. از قراردادن وسایل در این مسیر خودداری کنید.

• هنگام نصب داربست در پیاده‌رو، حتما آن را ایمن کنید تا افراد دارای آسیب بینایی با آن برخورد نکنند.

**از ادبیات و عبارات مناسب استفاده کنید**

برخی به منظور تلطیف موضوع معلولیت یا از سر عادت، از مفاهیمی برای خطاب‌قراردادن افراد معلول استفاده می‌کنند که نادرست است. توان‌جو، توان‌خواه، توان‌یاب، ناتوان، توانمند، روشندل، روشن‌ضمیر، عصایی، ویلچری، عقب‌مانده و... عبارات نادرستی هستند که بسیار مورد استفاده قرار می‌گیرند.

بهترین عبارت در این زمینه، «فرد دارای معلولیت» است که ابتدا بر انسان‌بودن این افراد تأکید می‌کند و سپس ویژگی مشخص معلولیت را نیز دارد. فرد دارای آسیب بینایی، نابینا، کم‌بینا، فرد دارای آسیب شنوایی، ناشنوا، کم‌شنوا، فرد دارای معلولیت حرکتی- فردی که از عصا یا ویلچر استفاده می‌کند؛ فرد دارای معلولیت ذهن و روان؛ فرد دارای اوتیسم عبارات صحیحی هستند که می‌توانند مورد استفاده قرار بگیرند.

همچنین بسیاری، حتی افراد تحصیل‌کرده، از عبارات حوزه معلولیت برای تحقیر یا تمسخر یک موضوع استفاده می‌کنند که آسیب‌زننده است. دولت معلول، اقتصاد فلج، دشمن کور، کوتوله سیاسی، عبارات موهنی هستند که بیش از هرچیزی، به‌طور پنهانی بازتولیدکننده نگاه تحقیرآمیز به معلولیت هستند.

**به افراد دارای معلولیت خیره نشوید**

اندک‌بودن میزان حضور افراد دارای معلولیت در جامعه باعث شده آنها متفاوت به چشم بیایند و هنگام حضور در محیط‌های عمومی، بیشتر از دیگران تحت نظر باشند. گاهی نیز برخی افراد با حسن نیت آنها را رصد می‌کنند تا اگر نیاز به کمک داشتند اقدام کنند. به هر حال به هر دلیلی که این افراد را زیر نظر می‌گیرید یا به آنها خیره می‌شوید، آنها را آزار می‌دهید.

**ترحم نکنید**

شاید برای بسیاری، تشخیص مرز میان ترحم، کمک و همدلی به راحتی ممکن نباشد. در همدلی، نوعی برابری نهفته است اما در ترحم، نگاه از بالا به پایین. گویی با ترحم، به فرد دارای معلولیت القا می‌شود که ناتوان و محکوم به شکست است. باید از محبت اغراق‌شده، لطف بی‌جا و بی‌مورد، نادیده‌گرفتن بی‌دلیل یک اشتباه، کمک ناخواسته و بیش از حد یا وابسته‌کننده، صحبت‌کردن با لحنی متفاوت، کودکانه و... پرهیز کرد.

**حریم شخصی افراد دارای معلولیت را رعایت کنید**

برخی تصور می‌کنند هنگام روبه‌روشدن با افراد دارای معلولیت اجازه دارند از خصوصی‌ترین مسائل آنها بپرسند. این مجوز به‌ویژه هنگام کمک، قطعی می‌شود! اینکه او چگونه و از چه زمانی دچار معلولیت شده، برای رفع این موضوع چه کارهای درمانی‌ای انجام داده، شاغل یا متأهل است، سایر اعضای خانواده‌اش هم معلولیت دارند یا نه، اطلاعاتی نیستند که به کار کسی بیاید. اگر درخصوص معلولیت و راه‌های پیشگیری از آن سؤال دارید می‌توانید با یک جست‌وجوی ساده در اینترنت، انبوهی از اطلاعات مفید را به دست بیاورید.

**از خرافات بپرهیزید**

اینکه برخی فیلم‌سازان و نویسندگان برای تأدیب شخصیت منفی داستان، او را دچار معلولیت می‌کنند، نتیجه‌اش این می‌شود که افراد هنگام مواجهه با فرد معلول تصور می‌کنند احتمالا به‌خاطر گناه خودش یا خانواده‌اش دچار مکافات شده است. به یاد داشته باشیم معلولیت نه برای پیشگیری از گناه است و نه عقوبت گناه. معلولیت امری زیستی-اجتماعی است که ممکن است همه افراد به طور موقت یا دائم، در زندگی آن را تجربه کنند.

**پیش از کمک‌کردن اجازه بگیرید**

اگر قصد داشتید به یک فرد معلول کمک کنید، ابتدا دراین‌باره از او سؤال کنید. ممکن است نیازی به کمک نداشته باشد و مداخله بدون مجوز مشکلی ایجاد کند. مثلا ممکن است فردی که از عصا استفاده می‌کند، بتواند به راحتی سوار پله‌برقی شود اما کمک بدون اجازه موجب برهم‌خوردن تعادلش شود. بدون اجازه افراد دارای معلولیت را لمس نکنید و به وسایل کمک‌توانبخشی آنها دست نزنید. اگر افراد دارای معلولیت نتوانند از خانه خارج شوند، آموزشی نخواهند دید، شغلی به دست نمی‌آورند، نمی‌توانند ازدواج کنند و کاملا ناتوان می‌مانند. با رعایت حقوق افراد دارای معلولیت، امکان حضور فعالانه و مؤثر آنها را در جامعه فراهم کنیم.

• عکس: امیرحسین ناسوتی، تسنیم

# مزایده به شرط تخریب محیط زیست

ادامه از صفحه ۸

عوامل مختلفی باعث شکست سدهای باطه می‌شود که عدم طراحی مناسب و ایراد در اجرا از جمله آنها هستند. باران‌های سهمگین یکی دیگر از عوامل شکست سدهاست. حدودا ۲۵ درصد سدهای باطله شکسته‌شده در دنیا به دلیل همین بارندگی‌ها بوده است که اتفاقا بنا به تغییرات اقلیمی و گرمایش کره زمین نیز به تکرار در حال رخ‌دادن است؛ بنابراین عدم مدیریت صحیح فاضلاب معدن‌ها مشکل‌زاست و حتی اگر هم سدهای باطله‌ای یا سیستم‌های حفاظتی دیگری طراحی و اجرا شوند، خود نیز می‌توانند باعث ایجاد مشکل شوند. اینها همه حکایت از آن دارد که اهمیت موضوع ارزیابی‌های زیست‌محیطی در ارتباط با تک‌تک این پنج هزار معدن و نگرانی‌های جامعه محیط‌زیستی از عدم انتشار شفاف آنها بی‌جهت نیست. مناطقی که بارش‌های سهمگین‌تری تجربه کرده‌اند یا باران‌زاتر هستند مستعد شکست سد هستند. اگر آن مناطق نزدیک به مناطق حفاظت‌شده یا پهنه جنگلی کشور باشند احتمال این تخریب‌ها بیشتر و بیشتر می‌شود.

آلودگی‌های زیست‌محیطی ناشی از معدن‌کاری تنها محدود به مرحله استخراج نیست و به بخش فراوری هم گسترش می‌یابد. فراوری مرحله پس از استخراج است تا مواد استخراجی به مواد اولیه مورد نیاز صنایع تبدیل شود. این مرحله خود می‌تواند در صورت عدم رعایت نکات زیست‌محیطی نیز عامل تخریب طبیعت باشد. متأسفانه اطلاع‌رسانی مناسبی درباره مزایده پنج هزار معدن نشده است تا بتوان با دقت بیشتری ارزیابی کرد اما معمولا این مرحله هم انرژی‌بر است و هم بسته به نوع تکنولوژی مورد استفاده می‌تواند زباله یا فاضلاب‌های بسیار سمی تولید کند که نشت یا رهاسازی آنها در طبیعت می‌تواند سلامت آب و خاک مناطق مسکونی و طبیعت اطراف معادن را تا کیلومترها به خطر جدی بیندازد. هرچند تولید این‌گونه مواد سمی بسته به نوع تکنولوژی مورد نیاز جهت استحصال و فراوری متفاوت است اما به عنوان نمونه برای استخراج هر تن از عناصر کمیاب (Rare Earth Elements) حدودا ۱۲ هزار مترمکعب گاز آلاینده (شامل اسید هیدروفلوریک، اسید سولفوریک و دی‌اکسید سولفور و...) و ۷۵ مترمکعب فاضلاب اسیدی تولید می‌شود (وب‌سایت دانشگاه ام‌آی‌تی - ۲۰۱۶ - مدیریت استراتژیک معادن). در کنار انتشار آلایندگی‌ها به خاک، زمین‌های حوالی معادن پس از مدتی حاصلخیزی خود را ممکن است از دست بدهند که از جمله تخریب‌های غیر قابل برگشت است و این خود می‌تواند امنیت غذایی و زیستگاه جانوران را به مخاطره بیندازد.

در مطالعه‌ای که روی سلامت جوامع محلی و طبیعت اطراف معادن طلا در کشور غنا انجام شده است، نتایج قابل تأملی مشاهده می‌شود (مجله علمی پایش و ارزیابی محیط‌زیستی - Environmental Monitoring and Assessment). زنگ خطری که این مطالعه برای ما به صدا درآورده آن است که علی‌رغم وجود قوانین مرتبط با معدن و محیط زیست در غنا رودخانه‌های مجاور معادن به شدت آلوده گزارش شده‌اند. این می‌تواند نشان‌دهنده آن باشد که قوانین زیست‌محیطی اگر هم وجود داشته باشند به تنهایی منجر به حفاظت از اکوسیستم طبیعی نخواهند بود و مجموعه عوامل دیگری از جمله نظارت دائمی کارشناسان محیط‌زیستی مقیم در معادن، بازرسی‌های زیست‌محیطی متناوب، وجود گزارش‌های محیط‌زیستی ماهانه از پروژه‌ها، دسترسی آزادانه خبرنگاران و کارشناسان مستقل محیط‌زیستی به این داده‌ها و گزارشات و... مورد نیاز است.

**مدیریت نخاله‌ها و زباله‌های معدنی**

دیگر نکته مهم در ارتباط با معدن‌کاری، تولید میلیون‌ها تن نخاله و زباله است. به عنوان مثال به ازای هر گرم طلا حدودا سه تن نخاله تولید می‌شود که رهاسازی آن در طبیعت می‌تواند خسارات گوناگونی بر محیط زیست وارد آورد. یکی دیگر از نگرانی‌های محیط‌زیستی، زباله‌های تولیدی در حین فرایند استخراج، فراوری و در پایان عملیات معدن‌کاری است. مدیریت زباله در حین استخراج و فراوری هزینه‌بر است و نیازمند نظارت تخصصی و مستمر توسط کارشناسان مقیم سازمان حفاظت از محیط زیست و همچنین خبرنگاران محیط‌زیستی به عنوان چشمان بینای افکار عمومی است. موضوع دیگری که باید مورد توجه قرار گیرد این است که آیا در فرایند مزایده پنج هزار معدن آیتم‌هایی مرتبط با مدیریت زباله و تأمین نیازهای محیط‌زیستی در حین اجرای پروژه و پس از پایان‌یافتن عملیات استخراج و فراوری در قیمت‌دهی‌ها در نظر گرفته می‌شود یا خیر و آیا هر پیمانکار برنامه مشخصی برای حفظ محیط زیست حوالی محل کارش دارد یا نه؟

**چه باید کرد؟**

با این شرایطی که وزارت صمت مصمم به برگزاری هرچه سریع‌تر مزایده بیش از پنج هزار معدن است، در حالی که مطالعات زیست‌محیطی کافی صورت نپذیرفته، یکی از جدی‌ترین زنگ خطرهای زیست‌محیطی چندساله اخیر به صدا درآمده است. زنگ خطری که نه تنها سلامت نسل امروز بلکه می‌تواند حیات نسل فردا را نیز تحت تأثیر قرار دهد. اولین گام مؤثر در جهت حل این مشکل نیز انجام ارزیابی‌های دقیق و کارشناسی توسط سازمان محیط زیست است تا میزان تأثیر خسارت‌های احتمالی بر اکوسیستم و جوامع محلی مشخص شود. پارامترهایی از قبیل میزان تولید گازهای گلخانه‌ای، تخمین فاکتورهای آلایندگی، غنی‌سازی و شاخص انباشتگی، میزان احتمال نشت آلاینده‌های فلزی و غیرفلزی و اثرات آنها بر چرخه غذایی و آب و خاک منطقه، تأثیر آلاینده‌هایی از قبیل گرد و خاک (یا ریزگردها) بر سلامت جوامع محلی و اکوسیستم طبیعی، نحوه ترمیم منابع دستکاری‌شده به دلیل معدن‌کاری، فرایندهای مورد نیاز برای پاک‌سازی پس از پایان معدن‌کاری و... باید مورد مطالعه قرار گیرد توجه نکردن به هریک از این پارامترها می‌تواند خسارت‌های جبران‌ناپذیری به همراه آورد که نه تنها در جهت اصل ۵۰ قانون اساسی نیست، بلکه غیرمسئولانه و در جهت نابودی فرصت‌های نسل‌های آتی است و اگر هم منجر به اشتغال والدین شود، به احتمال فراوان منجر به کوچ اجباری نسل‌های آتی خواهد شد و این مسئولیتی است که باید به‌دقت و به قدر کافی جدی گرفته شود.

دیگر نکته مهم آن است که آیا تصمیم بر خام/نیمه‌خام فروشی است و یا قرار است این مواد استخراجی جهت تولید محصولات نهایی در داخل کشور و نهایتا صادرات به دیگر کشورها استفاده شود. همان‌گونه که ارزش‌افزوده صادرات محصولات نهایی می‌تواند به مراتب بیشتر از خام‌فروشی باشد، اثرات زیست‌محیطی استحصال مواد اولیه از معادن هم اگر محصولات نهایی در داخل کشور تولید شود به ازای هر تومان درآمد به مراتب کمتر از شرایطی است که خام‌فروشی و یا نهایتا با کمی تصفیه و غنی‌سازی مواد نیمه‌خام به دیگر کشورها صادر شود. استخراج معادن و صادرات مواد خام و نیمه‌خام به دیگر کشورها بدان معنی است که آن کشورها از مزایای اقتصادی تولید محصولات نهایی بهره می‌برند در حالی که تأثیرات منفی محیط‌زیستی ناشی از استخراج و فرآوری مواد خام اولیه نصیب کشور ما شده است. به عبارت دیگر به طور مجازی اثرات مخرب معدن‌کاری‌شان را بر منابع طبیعی ایران تحمیل کرده‌اند. سؤال دیگر آن است که آیا صنایع کشور ظرفیت استفاده از این مقدار مواد استخراجی را دارد؟ به خصوص در شرایط امروز که کشور با چالش‌های اقتصادی متفاوتی روبه‌روست، چه مقدار از این مواد خام و یا نیمه‌خام در داخل کشور می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد؟

انتشار شفاف گزارش‌های ارزیابی محیط‌زیستی مرتبط با هر معدن، افزایش آگاهی‌های مردم محلی از مخاطرات محیط زیستی-اجتماعی معدن‌کاری (توسط ثمن‌ها و خبرنگاران محیط‌زیستی)، فراهم‌نمودن مشارکت معنادار مردم محلی در تصویب قوانین زیست‌محیطی، وجود ناظرین زیست‌محیطی مقیم، وجود قوانین محیط‌زیستی کافی و کارآمد می‌تواند رهگشا باشد و کاهش اثرات زیست‌محیطی معادن را به همراه آورد. وجود بستری که دسترسی آزادانه کارشناسان، خبرنگاران و ثمن‌های محیط‌زیستی را به گزارشات، داده‌ها و مجوزهای محیط‌زیستی مرتبط با معادن فراهم کند، می‌تواند بخش‌های مهمی از نگرانی‌های جامعه محیط‌زیستی را از فعال‌سازی این پنج هزار معدن پوشش دهد.

***پژوهشگر فوق دکترا محیط زیست و توسعه پایدار، دانشگاه میشیگان**

# پرچم مدرسه زمردیان بالاست

## تجلیل از توانیابان در روز جهانی معلولان

شنبه دوازدهم آذرماه که مصادف بود با روز جهانی معلولان به همت مسعود زمردیان، خیّر مدرسه‌ساز که جزء چهره‌های ماندگار در این حوزه است، جشن صمیمانه‌ای از ساعت ۱۰ صبح تا ۱۲ ظهر در محل آموزشگاه استثنائی زمردیان کرج با حضور توانیابان، کادر آموزشی، خیران، مسئولان اداره آموزش و پرورش منطقه ۲ کرج و اولیای دانش‌آموزان برای تجلیل از کادر آموزشی و توانیابان برگزار شد. مسعود زمردیان که در صنف تولید و واردات ساعت مو سپید کرده، حدود دو دهه پیش آموزشگاه استثنائی زمردیان را بنا کرده است.

از ۲۱ سال پیش در استان البرز ساعت دیواری ساخته نشده و تنها کارخانه آن نیز تعطیل شده است؛ اما با تبدیل کارخانه ساعت‌سازی به آموزشگاه استثنائی، مریم، لیلا و صدها دختر توانیاب محروم از تحصیل ناحیه ۲ این استان که همه ساعات عمر خود را در تنهایی و ناراحتی می‌گذراندند، صاحب مدرسه و مرکز هنرآموزی شدند. راه‌اندازی مرکز استثنائی زمردیان مشکل جاماندن از درس و مدرسه را از پیش پای دخترهای توانیاب و خانواده‌های‌شان برداشته؛ اما آنها هنوز هم با ده‌ها مشکل حل‌نشده دست به گریبان‌اند که رنج‌ها و محدودیت‌های زندگی آنها را دامن می‌زند.

کودکان توانیاب با معلولیت‌های جسمی - حرکتی، سندرم دان، نیمه‌بینا، نیمه‌شنوا، اوتیسم و چندمعلولیتی در مقاطع ابتدایی تا پیش‌حرفه‌ای در این آموزشگاه تحصیل می‌کنند.

**مسیر پردردسر**

مادر نازنین که یکی از توانیابان آموزشگاه است، می‌گوید: «ما در محله سرآسیاب کرج زندگی می‌کنیم و رفت‌وآمد به اینجا بسیار سخت است؛ ولی در محله‌های جنوبی کرج و در نزدیکی محله ما مدرسه استثنائی دخترانه دیگری وجود ندارد و مجبورم دخترم را با مشقت به این مدرسه بیاورم».

مادر نازنین که با نظافت منزل دیگران زندگی خود و دخترش را اداره می‌کند، از عهده پرداخت هزینه سرویس مدرسه برنمی‌آید و طی‌کردن این مسیر با اتوبوس برای او و نازنین آسان نیست. مریم نیز با نازنین هم‌محلی است و دردسرهای رفت‌وآمد با اتوبوس باعث می‌شود او هر روز آشفته و عصبی به مدرسه برسد.

مادر مریم هر روز در مدرسه می‌ماند تا کرایه اتوبوس کمتری بپردازد و داروی نازنین و مریم را هم سر موقع بدهد. او و دیگر مادرانی که از اول صبح تا موقع تعطیلی بچه‌ها در مدرسه می‌مانند، اگر از سرپا ایستادن کلافه شدند، باید در کانکس فلزی گوشه حیاط استراحت کنند. بعضی از نایلون‌های پر از سبزی پاک‌نشده یا دم‌کنی و پیش‌بند آشپزخانه هم که بساط کسب‌وکار تعدادی از مادرهاست، آن‌قدر جاگیرند که برای استراحت در کانکس تنگ و تاریک و سرد باید نوبت بگیرند.

**نیازهای درمانی بچه‌ها برزمین مانده**

شهناز نادعلی از درددل والدین این کودکان باخبر است و می‌گوید: «هزینه خدمات کاردرمانی و گفتاردرمانی و تهیه تجهیزات توان‌بخشی کودکان توانیاب بسیار بالاست و با آنکه خیران قسمتی از این هزینه‌ها را می‌پردازند، باز هم خانواده‌ها با مشکلات زیادی روبه‌رو هستند». او از معلمان مدرسه است و وقتی در کارگاه‌های آشپزی یا خیاطی تلاش و علاقه بچه‌ها برای کار یادگرفتن را می‌بینند، نقش درمان‌های توان‌بخشی در افزایش مهارت و اعتمادبه‌نفس آنها را به‌خوبی حس می‌کنند.

صدیقه صالحی از لحظه افتتاح آموزشگاه در کنار این دانش‌آموزان بوده و مدیریت سه مقطع را برعهده داشته است. او درباره مدرسه می‌گوید: «اینجا تنها آموزشگاه استثنائی ناحیه ۲ استان البرز است و ۱۸۰ دانش‌آموز دختر توانیاب با معلولیت‌های جسمی - حرکتی، سندرم دان، نیمه‌بینا، نیمه‌شنوا، اوتیسم و چندمعلولیتی در مقاطع ابتدایی تا پیش‌حرفه‌ای این آموزشگاه تحصیل می‌کنند».

تعداد کلاس‌های مقطع ابتدایی آموزشگاه زمردیان ۲۰ کلاس و کلاس‌های مقطع پیش‌حرفه‌ای پنج کلاس است و در مقطع پیش‌حرفه‌ای مهارت‌های آشپزی، خیاطی، گلدوزی، کار با چوب، گل‌کاری و قالی‌بافی به دانش‌آموزان آموزش داده می‌شود. آموزشگاه خیرساز زمردیان، مرکزی دولتی است و زیر نظر اداره آموزش و پرورش استثنائی استان البرز اداره می‌شود.

صالحی می‌گوید: «خانواده‌های دانش‌آموزان این منطقه بسیار کم‌بضاعت هستند و ما نمی‌توانیم از پدری که با دست‌فروشی خانواده‌اش را اداره می‌کند و از پس هزینه‌های درمان و خورد و خوراک فرزندانش برنمی‌آید، بخواهیم برای تأمین هزینه‌های آب، برق و تلفن مدرسه، کمک‌های مردمی پرداخت کند. بسیاری از این خانواده‌ها از طرف خیران حمایت می‌شوند و در زمینه‌های مختلف کمک‌هزینه دریافت می‌کنند».

موفقیت‌های معلمان و دانش‌آموزان مدرسه باعث سربلندی خانم مدیر است و با افتخار می‌گوید: «پرچم مدرسه زمردیان همیشه بالاست و در مسابقات مختلف مدارس استثنائی کشور، جزء مدارس برگزیده بوده‌ایم؛ مثلا در سال تحصیلی گذشته بچه‌ها در رشته روخوانی قرآن و رشته‌های ورزشی تنیس و بوچیا مقام‌های برتر مسابقات مدارس استثنائی کشور را به دست آوردند و معلمان مدرسه هم در رشته حفظ جزء ۳۰ قرآن در میان فرهنگیان مدارس استثنائی صاحب رتبه شدند». عشق به بچه‌های توانیاب سبب شده همه رفتارهای بی‌غل‌وغش آنها برای خانم مدیر شیرین و دلنشین باشد. صالحی می‌گوید: «این بچه‌ها معصوم و بامحبت‌اند؛ ولی ابراز محبت آنها با بچه‌های معمولی فرق می‌کند. نخستین سالی که مدیر مدرسه بودم، روز معلم یکی از دانش‌آموزانم برایم یک جفت جوراب خریده بود؛ ولی آن را به دستم نداد و از همان وسط سالن که نشسته بود، به طرفم پرت کرد! یک روز هم که برای بچه‌ها سفره حضرت رقیه (س) پهن کرده بودیم و با چای شیرین، نان و پنیر از آنها پذیرایی می‌کردیم، یکی از آنها چای داغ را روی سر من خالی کرد و با خونسردی گفت: بیا چای بخور! یکی از بچه‌ها هم وقتی عصبی شده بود، من را کتک زد!».

زمردیان می‌گوید: «وقتی من و خانواده‌ام تصمیم گرفتیم کارخانه تولید ساعت دیواری کرج را به یک خیریه تبدیل کنیم، متوجه شدیم در ناحیه ۲ استان البرز، مدرسه‌ای برای تحصیل دختران توانیاب ذهنی و جسمی وجود ندارد و بسیاری از آنها که در خانواده‌های بی‌بضاعت زندگی می‌کنند، گوشه‌نشین و منزوی هستند؛ به‌همین‌دلیل کارخانه را برای تأسیس مدرسه استثنائی به آموزش و پرورش اهدا کردیم».

امکانات ساختمان کارخانه ساعت‌سازی در چند اتاق خلاصه می‌شد و بخش درخورتوجهی از فضای ۲۰۰مترمربعی آن بدون استفاده مانده بود. زمردیان می‌گوید: «ساختمان قدیمی مدرسه را در سال ۱۳۹۰ بازسازی کردیم و مدرسه به ۱۵ کلاس، چهار کارگاه، بخش‌های گفتاردرمانی و ارتوپدی و سالن همایش مجهز شد». حس پدرانه زمردیان به دانش‌آموزان مدرسه سبب شده برای رفع کمبودها و مشکلات آنها احساس مسئولیت کند.

او می‌گوید: «اغلب دانش‌آموزان مدرسه درخانواده‌هایی زندگی می‌کنند که از امکانات اولیه زندگی محروم‌اند. دانش‌آموز توانیابی داریم که خانواده‌اش در گاراژی نمور و تاریک زندگی می‌کنند و ممکن است ماهی یک بار هم در سفره خود گوشت و مرغ و میوه نبینند. چند سال پیش دو خواهر توانیاب در مدرسه درس می‌خواندند که فقط یک جفت کفش داشتند و نمی‌توانستند با هم در مدرسه باشند».